

بازی بین المللی شبستان 2023  
گفتگو درباره اسرائیل و فلسطین (دانشجویان: آلمانی-اوکراینی، معلم: فارسی-اوکراینی)  
بنجامین (D-U):

1. خوب، من فکر می کنم این همه تحریک علیه اسرائیل بد است، به خصوص اینجا در آلمان. آیا هولوکاست، کشتار شش میلیون یهودی در اروپا، منجر به فرار بسیاری از یهودیان به فلسطین و یافتن خانه جدیدی در آنجا نشد؟ آیا این حتی نشانه ای از جانب خدا نیست که 2000 سال پس از اخراج آنها از سرزمین موعود خدا، قوم برگزیده اسرائیل می توانند دوباره در سرزمین کتاب مقدس خود زندگی کنند؟

2. حمله تروریستی حماس به اسرائیلی ها در 7 اکتبر واقعاً آسیب های قدیمی را در اسرائیل زنده کرد: اینکه یهودیان حتی در کشور خودشان دیگر در امان نیستند و - همانطور که تظاهرات های فراوان علیه اسرائیل در سراسر جهان نشان می دهد - آنها در جایی نیستند. متوجه شدیم که دنیا امن است این وحشتناک است! و: آیا برای ما هم خوب نیست که ساختارهای یک سازمان تروریستی مانند حماس نابود شود؟ ترور اسلام گرا سم دین گمراه، سیاسی شده و خشونت بی بند و باری است که ما و همه آزادی خواهان را نیز تهدید می کند!  
احمد (D-U):

3. فلسطینی ها در مورد هولوکاست چه می توانند بکنند؟ آلمانی ها موفق شدند! فلسطینی ها نیز قربانی هولوکاست هستند: سپس یهودیان آنجا بودند و ادعای همان سرزمینی کردند که فلسطینی ها برای مدت طولانی در آنجا زندگی می کردند. و یهودیان از هولوکاست آموخته بودند: هرگز بی دفاع نشوید! فقط مورد خشونت واقع شدن یهودیان بر آلمانی ها تأثیر نمی گذارد، بلکه بر فلسطینی ها تأثیر می گذارد که خود قربانی بودند. و بسیار خوب: مردم حماس تروریست هستند، آنها نفرت را تبلیغ می کنند و در اعمال خشونت بی بند و بار هستند. آنها از مردم خود در برابر حملات ارتش اسرائیل محافظت نمی کنند، بلکه از آنها به عنوان سپر انسانی استفاده می کنند.

4. اما آیا اگر اسرائیل برای چندین دهه با فلسطینیان به عنوان شهروندان درجه دوم رفتار نمی کرد، آیا حماس اینقدر قوی می شد؟ و در نتیجه سختگیری اسرائیل، حماس به جان مردم خود اهمیتی نمی دهد، هزاران فلسطینی در حال مرگ هستند. اتفاقاً خیلی بیشتر از اسرائیلی ها! آن ها آدم های درجه دومی هستند که جانشان برای هیچکس ارزشی ندارد! و حتی اگر ارتش اسرائیل موفق شود حماس را نابود کند، آیا جانشینانی پیدا نمی کنند که به نوبه خود پس از کشتارهای فراوان در نوار غزه، سرشار از نفرت از اسرائیل باشند؟  
معلم (F-U):

5. فکر می کنم آنچه شما دو نفر می گوئید کاملاً هوشمندانه است. مشکل این درگیری همین است: اسرائیلی ها و فلسطینی ها هر دو سابقه ای دارند که با آسیب های روحی مشخص شده است و برای یک سرزمین رقابت می کنند، همچنین با استدلال های مذهبی. به عنوان یک مسیحی که عهد عتیق را با یهودیان به اشتراک می گذارد، به عنوان یک آلمانی با سابقه گناه در هولوکاست و به عنوان یک غربی، به اسرائیلی ها نزدیک تر هستم.  
6. اما من با فلسطینی ها همدردی می کنم. (مکت) من می خواهم در اینجا در کلاس های آموزش دینی در مقاطع بالاتر دبیرستانمان، موضوع «اسرائیل و فلسطین» را بسط دهم. اکنون به کریسمس نزدیک شده ایم. علاوه بر یهودیان و فلسطینی ها، بازیگر سومی نیز وجود دارد. «عیسی در بیت لحم یهودیه به دنیا آمد. در آن زمان هیرودیس پادشاه بود.» (متی 2:1) می خواهیم به داستان کریسمس بر اساس متی و اینکه عیسی چه ارتباطی با این کشور دارد نگاهی بیندازیم.  
مکالمه بین پناهندگان از طریق تلفن همراه (D-F)  
عریفه دی-اف:

7. سلام میریام، خوبی؟ احساس خوبی ندارم. من و بسیاری از زنان دمشق پایتخت سوریه و طرابلس پایتخت لیبی را ترک کردیم. هفت روز را در طرابلس، لیبی گذراندیم. وارد الجزایر شدیم و 15 روز را در ماشین گذراندیم. بعد به اوران رسیدیم و الان نه ماه است که آنجا گیر کرده ایم. زنان زیادی آنجا هستند و ما در یک آپارتمان دو اتاقه زندگی می کنیم: با 10 زن و همچنین بچه های کوچک. ما خسته و رنج زیادی می کشیم و خیلی می ترسیم چون وضعیتمان خوب نیست. حالا بالاخره این شانس را دارید که با کمک قاچاقچیان از دریای مدیترانه عبور کنید.

8. ما اکنون در ساحل اوران هستیم. فاصله تا Balam در اسپانیا 10 کیلومتر از طریق دریا است. 40 نفر از ملیت های مختلف منتظر قایق هستند که قرار است قاچاقچیان ما را به اسپانیا ببرند. از آنجا می خواهم پیش شما بروم، به آلمان. بعد از اسپانیا چه اتفاقی خواهد افتاد؟ مردم اینجا می گویند که سیاست در آلمان تغییر کرده است. چند سال پیش که تو میریام نگفتی پناهنده ها خوش آمدی؟ حالا پناهندگان به صورت دسته جمعی از آلمان اخراج می شوند؟ این مرا می ترساند. لطفاً برای من به پدر و مادرم سلام برسانید، امیدوارم و دعا می کنم که به زودی دوباره آنها را ببینم!  
میریام دی-اف:

9. من پدر و مادرت را، عریفه عزیز، فردا در جلسه کردها در کروزکرچه خواهم دید. ما در حال تماشای فیلمی در مورد تولد عیسی هستیم، کریسمس یک هفته دیگر است. من خوشحالم که بسیاری از کردها اکنون به عیسی علاقه دارند و امیدوارم فردا بیایند.

من و مامان و خواهرم داریم برای فردا شیرینی میپزیم، من عاشق کلوچه های آلمانی Advent هستم! امروز بعدازظهر هنوز دارم برای امتحان ریاضی که دوشنبه داریم میخونم. موضوع برای من به این راحتی نیست، اما من می خواهم یک دیپلم خوب بگیرم و بعد پزشکی بخوانم، شما از قبل می دانید، آریفا؟

10. قرار گذاشتیم امروز عصر با دوستانم در بازار کریسمس در برمرهاون ملاقات کنم، که واقعاً خوب شد. سال آینده ما هر دو در بازار کریسمس قدم می زنیم، من واقعاً این را باور دارم، آریفا. فردا یک تمرین نمایش عیسی دیگر در Kreuzkirche برگزار خواهد شد. بله، در شب کریسمس ما داستان تولد عیسی مسیح را بخش می کنیم. عریفه، عیسی مسیح در کریسمس متولد می شود، امیدوارم و دعا می کنم که نور در تاریکی برای شما نیز بدرخشد و درهای اسپانیا، اتحادیه اروپا به روی شما باز شود! امیدوارم با خیال راحت و ایمن از دریای مدیترانه عبور کنید! در پناه خدا!

متی 1:18-25 (فارسی-اوکراینی)

جوزف اف یو:

11. ماریا، این آخرین چیزی است! دوباره در بازار اینجا در ناصره بودم و دوستم بنیامین را دیدم و او به من گفت: "می دانی پیرزن های اینجا در ناصره میته به یکدیگر چه می گویند: "خب، ماریا، او آن نوع را ندارد. از چیزی شکم کوچک؟ به نوعی چهره او اکنون متفاوت به نظر می رسد، کمی پرتتر، به نوعی زنانه تر. ما پیرزن ها به آن چشم دوخته ایم. جوزف نمی توانست تا عروسی صبر کند، می تواند؟ اما اینطوری کار نمی کند!

12. و سپس بنیامین در واقع از من می پرسد: "خوب، یوسف، تو هستی یا داری؟ حالا تو در دردرس عمیقی داری، جوزف!" ماریا، من حتی نمی دانم مردم در مورد چه چیزی صحبت می کنند. تو باردار نیستی! ما قانون را رعایت کردیم و هنوز با هم خوابیدیم! مردم در مورد صورت پرتتر و شکم کوچک چه می گویند؟ شما مثل قبل به نظر می رسید، درست است؟

ماریا اف یو:

13. ما قانون را حفظ کرده ایم، یوسف عزیزم. من مشتاقانه منتظرم که به زودی ازدواج مناسبی داشته باشم. من با هیچ مرد دیگری هم نبودم... اما: نمی دانم چگونه به شما بگویم. من در واقع کمی تغییر کرده ام.

جوزف اف یو:

14. مریم! تو به من خیانت کردی! چرا اون؟ من دوستت دارم! می خواهم زندگیم را با تو بگذرانم، همیشه پیش تو باشم و شاید روزی همراه فرزندانمان! و حالا این! فکر می کردم تو یک زن خاص هستی، به نوعی با بقیه فرق می کنی. به جورایی زنی با درخشش خاصی از طرف خدای ما! اما چقدر در مورد تو اشتباه کردم! تو فقط یک معمولی هستی... (فاحشه)

جوزف اف یو:

15. چه کار کنم؟ الان نصف روز است که در مزارع ناصره دویده ام، مهم این است که هیچکس مرا نمی بیند! چه توهینی! ماریا از شخص دیگری باردار است! حتی به عنوان نامزد، خیانتکار! حرف پیرزن ها درست است! اما من نبودم البته من می توانم شکایت کنم و او را به زنا متهم کنم! اما پس از آن چه اتفاقی برای او می افتد، ماریا محبوب من؟

16. اما نمی توانم وانمود کنم که هیچ اتفاقی نیفتاده و کودک را طوری بپذیرم که انگار مال خودم است. چه شرم آور! می دانم دارم چه کار می کنم: ماریا را ترک می کنم، اما بدون ایجاد جنجال. شاید به زادگاهم، بیت لحم، برگردم. و سعی کن ماریا رو فراموش کنی. یا اینکه خدا نقشه دیگری برای من دارد؟ اوه دیگه دیر شده باید برم بخوابم و بخوابم. فردا باید برگردم سر کار در مغازه نجاری.

فرشته اف یو:

17. «یوسف، از نسل داوود، نترس که مریم را به همسری خود بگیری. زیرا فرزندی که او انتظار دارد از روح القدس است. او یک پسر به دنیا خواهد آورد. شما باید نام عیسی را به او بدهید. زیرا او قوم خود را نجات خواهد داد. او آن را از هر گناهی رها می کند. خداوند قبلاً از طریق نبی گفته است: خواهید دید که باکره آبستن شده و پسری به دنیا خواهد آورد. نام عمانوئیل را به او خواهند داد که به معنای: خدا با ماست.» (متی 20:231-cd).

جوزف اف یو:

18. مریم، خداوند در خواب با من صحبت کرد. من در مورد شما حامله روح القدس هستید. تو مادر مسیحی خواهی بود که قوم ما را نجات خواهد داد. من خیلی گیج و هیجان زده هستم. اما من یک چیز را به طور قطع می دانم: من با شما می مانم، با زنی که دوستش دارم.

19. و برای پسر عیسی، پسر خدا، با تمام قدرت خود مراقبت خواهم بود. مانند پسر خودم، بعداً قطعاً پدر تعداد بیشتری از فرزندان شما خواهم بود. بیا، ماریا، سخنان تند دیروز من را ببخش. خداوند همه چیز را به پایان خوش رسانده است. ستایش پسری که در شکم تو رشد می کند، عیسی، عمانوئیل، مسیحا!

متی 2، 1-8 (آلمانی-اوکراینی، کاتب: فارسی-اوکراینی)

Kaspar D-U:

20. بالاخره دوستان ما در اورشلیم هستیم! تازه از دروازه شهر رد شدیم! چه راه درازی پشت سر ماست با زن و بچه و خدمتکار و شتر! از ایران بزرگ تا اسرائیل کوچک! از طریق سرزمین حاصلخیز بین النهرین، گذشته از بابل و سپس از طریق صحرا سوریه، این سخت ترین قسمت زیارت ما بود!

:Melchior D-U

21. اما سفر ارزشش را داشت! آیا به یاد دارید که چگونه ناگهان سه ماه پیش در "دانشکده طالع بینی" خود در شوش این ابر ستاره را کشف کردیم؟ ستاره سلطنتی یهودیان، آری ستاره پادشاه جهان؟ وقتی با خانواده و کارمندانمان از شوش به راه افتادیم دقیقاً کار درستی انجام دادیم. ما همیشه دنبال ستاره بوده ایم و همیشه برایمان می درخشد، حتی در تنهایی کویر. اکنون به مقصد خود رسیده ایم: اورشلیم. در اینجا پادشاه یهودیان، نجات دهنده جهان متولد شد!

:Balthasar D-U

22. ببینید، آنجا ایستگاه گمرک است. پس بیایید بلافاصله بپرسیم. چنین ارگان رسمی مطمئناً می تواند به ما کمک کند. مطمئناً همه آنها منتظر تولد پادشاه خود هستند. اما عجیب است: اورشلیم به طور جشن تزئین نشده است، هیچ نشانه ای وجود ندارد که به زودی جشن سلطنتی، شب مقدس برگزار شود! در مقایسه با شوش، این اورشلیم کمی فرسوده به نظر می رسد. وقت آن است که پادشاه جدیدی به این شهر خاکستری بدرخشد!

هرود دی-یو:

23. یک پادشاه جدید متولد خواهد شد! این چه مزخرفی است! اینجا در اسرائیل فقط یک پادشاه وجود دارد و آن من هستم، هیروودیس کبیر! پسران من همه به دنیا آمده اند، این چیزهای خوب! و هر کسی که در مورد پادشاه دیگری حدس و گمان می زند زندگی خطرناکی دارد. او باید با گارد پادشاه سر و کار داشته باشد و پس از شکنجه زیاد زنده نخواهد ماند! اما صبر کنید، این خارجی های ایرانی، آقایان بزرگوار، اساتید طالع بینی هستند که صحبت از یک پادشاه جدید را پخش می کنند.

24. قبل از اینکه همه را در قلمرو من دیوانه کنند، باید جلوی این احمق های اخترو را گرفت. حدس می زنم باید از آن محققان سالن ببرسم که کاری بهتر از تحقیق در مورد کتاب مقدس در طول روز ندارند. بگذار به این فانتوم نجومی پایان دهند. انبیا نیز در این باره سخنی گفته اند. همه این چیزهای مذهبی واقعاً کاری که من انجام می دهم گیج کننده است: سیاست هوشمندانه و عمل گرایانه به نفع خود شما، هاهاها! پس مسیح، پادشاه یهودیان، کجا باید متولد شود؟

کاتب (F-U):

25. «در بیت لحم یهودیه! زیرا در کتاب نبی نوشته شده است: «ای بیت لحم در سرزمین یهودا، به هیچ وجه از شهرهای یهودا کم اهمیت ترین نیستی. زیرا از تو فرمانروایی خواهد آمد که قوم من اسرائیل را مانند شبان رهبری خواهد کرد.» (متی 2: 5-6).

هرود دی-یو:

26. اساتید محترم هنر اعلا طالع بینی، تعبیر ستاره، آقایان فرزانه فارس! برای من باعث افتخار است که به شما در کشورمان خوش آمد بگویم. به سرزمین کتاب مقدس، پرستش خدای یگانه خوش آمدید! می دانید، من نیز متوجه این ستاره مرموز شده ام و بسیار سیاسیگزارم که توضیحی درباره این شگفتی طبیعی به من دادید!

27. بله، محققین محترم کتاب مقدس در مورد آن تحقیق کرده اند: بیت لحم کوچک ما جایی است که مسیح در آن متولد خواهد شد. من از این بابت خیلی خوشحالم! خواهش می کنم آقایان عزیز از ایران بزرگ: اگر بچه را پیدا کردید به من هم اطلاع دهید. من هم می خواهم این کودک، مسیح ما را پرستش کنم. پس سفرتون بخیر اساتید عزیز! خدا با شماست!

متی 2: 9-11 (زبان های مختلف!)

:Kaspar D-U

28. این هیروودیس چه فرمانروای مؤدب و وارسته ای است! چیزی جز این فرزند مسیح را نپرستید! ای کاش چنین فرمانداران صلح طلبی در فارس داشتیم! احترام لازم را هم به ما عالمان می گذارد!

:Melchior D-U

29. نمی دانم. همه چیز درباره این هیروودیس به نظر من اغراق آمیز و حتی اشتباه است. مگر اینکه اهداف کاملاً متفاوتی داشته باشد! در نهایت، همه چیز به خودتان مربوط است! خوب، شاید این هیروودیس حتی از این بچه می ترسد! آیا این کودکی که بهشت برایش ستاره فرستاد، رقابتی برای این فرمانروای آگاه قدرت اما متوسط نیست؟ او اصلاً نمی خواهد مسیح را بپرستد، اما ...

:Balthasar D-U

30. اکنون در مورد این هیروودیس بحث نکنید. دوستان، ستاره متوقف می شود. ما در حال حاضر در لبه بیت لحم هستیم. ستاره بر آن اصطبل آنجا می درخشد. دوستان حتماً بچه هست دیوانگی! حالا به مقصد رسیدیم. اینجا مسیح اسرائیل و نجات دهنده جهان است! جوزف اف یو:

31. شما از دور می آید عزیزان، احتمالاً مردمان عاقل از ... فارس هستید. به آخور مسیح، عیسی کوچک ما، پسر خدا خوش آمدید! ما از شما برای هدایای سخاوتمندانه و بسیار ارزشمند شما بسیار سپاسگزاریم! دل ما را متأثر می کند که نه تنها شبانان اینجا از بیت لحم، مردم فقیر، بلکه شما آقایان بزرگوار از ایران، از ملت ها، به تخت عمانوئیل ما می آید.

مری و جوزف اف یو:

32. شما تنها کسانی نخواهید بود که مسیح، عیسی ما را می پرستید و از او پیروی می کنید! یهودیان و مردم ملل، مردمان ساده و خردمند، زنان و مردان، کودکان و سالمندان به عیسی ایمان خواهند آورد و تولد او را جشن خواهند گرفت! ستایش بر شما خردمندان مشرق زمین، ستایش خدای پدر ما، پدر مسیح ما عیسی! جوزف: اما چه کسی دیگر به اصطبل ما می آید؟ آیا شما هم می خواهید نزد مسیح بروید؟

بنجامین دی یو:

33. شاهزاده صلح، پادشاه صلح، مسیح اسرائیل وجود دارد! تو برای قوم خود و برای همه مردم زمین آمده ای! شما می خواهید صلح را برای مردم خود و برای همه مردم به ارمغان بیاورید! به دنیای بی صلح ما بیا! اکثریت مردم شما از شما پیروی نکردند، اما اسرائیل عزیز شما باقی می ماند که از آن آمده اید! پسر خدا یک انسان می شود، یک یهودی! این همیشه باقی خواهد ماند، کرامتی که با انسان شدن در میان مردم خود به آنها می دهید! از قوم خود محافظت کن، مسیح اسرائیل! ستایش بر تو ای پسر ابراهیم! احمد دیو:

34. ستایش بر تو عیسی، ای خدای مردم کوچک، فقیر، ستمدیده، محرومان! شما اهل خشونت نیستید، بلکه مدافع ضعیفان هستید، مدافع کسانی هستید که هیچکس از آنها حمایت نمی کند! بعداً خواهید گفت: «هر چه برای یکی از برادرانم یا یکی از خواهرانم کردی، هر چقدر هم که ناچیز باشد، برای من کردی.» (متی 25:40 ج) بچه‌هایی که گرسنه هستند، بزرگسالانی که معیشتشان از بین می‌رود، شما مسیح آنها هستید! عریقه دی-اف:

35. تو در اصطبل به دنیا می آیی پسر باری تعالی! اصطبل بهتر از آپارتمان فرسوده ما نیست، از کل وضعیت ما پناهندگان در مرز با اتحادیه اروپا! شما از بهشت می آید - نه به ویلای گرم ثروتمندان و قدرتمندان، بلکه به این اصطبل پیشرو! 36. و با این حال در اصطبل شما شکوه و جلال بیشتری نسبت به گرانباترین قصر یک فرمانروای زمینی یا میلیاردر وجود دارد! با تو شکوه عشق، رحمت، نور است! و این شکوه و جلال نیز به وضعیت ما می درخشد که در مرز اروپای آرزومند، در دریای مدیترانه، منتظر، بیم و امید هستیم! میریام یو اف:

37. مدت‌هاست که به تو اعتماد دارم، عیسی، مسیح، پسر خدا! وقتی من هنوز بچه بودم، از وطن کرمان فرار کردیم. من اکنون سال‌ها در آلمان زندگی می‌کنم، مدت زیادی است که در اینجا به مدرسه می‌روم و در اینجا بزرگ شده‌ام. من در خانه اینجا در برمه‌هاون هستم و در عین حال قلباً کرد هستم. اما بیشتر از همه، قلب من به تو تعلق دارد، خداوند عیسی. تا امروز با عشقت مرا همراهی کردی و من می‌خواهم با تو قدم‌های بعدی را در زندگی بزرگسالی بردارم. تو خانه من هستی، من تو را دوست دارم، عیسی!

متی 2: 12-15 (فارسی اوکراینی)

Josef U-F:

38. خیلی‌ها به آخر آمدند. خردمندان نیز دوباره راهی شوش، سرزمین پارسی خود می‌شوند. امروز بعدازظهر چوپانی به من گفت که فرشته‌ای در خواب بر حکیمان ظاهر شد. بر خلاف آنچه توافق شده بود، آنها به اورشلیم بازنگشتند، بلکه از اینجا به سمت شرق حرکت کردند. خوب! هرود قابل اعتماد نیست! و حالا چیکار کنیم ماریا؟ آیا مدتی در بیت لحم می‌مانیم تا اینکه به طور نمادین پسر نخست زاده خود را در معبد اورشلیم به خدا تسلیم کنیم (لوقا 2:22-24)؟ پس از آن به ناصره برمی‌گردیم! ماریا یو اف:

39. خدا به ما نشان خواهد داد کجا و کی برویم، یوسف عزیزم! او پسر فوق العاده خود را به ما داد که من توانستم او را حمل کنم و به دنیا بیاورم. اکنون او راهی را که می‌توانیم طی کنیم به ما نشان خواهد داد. ما می‌توانیم به خدا توکل کنیم! فرشته اف یو:

40. «بلند شو! بچه و مادرش را بگیرد و به مصر فرار کنید! اونجا بمون تا بهت بگم! زیرا هیرودیوس در جستجوی کودک خواهد بود تا او را بکشد.» (متی 2:13 cde)

کاتب F-U:

41. سپس یوسف در نیمه‌های شب برخاست. کودک و مادرش را گرفت و با آنها به مصر رفت. او تا زمان مرگ هرود در آنجا ماند. این همان چیزی است که خدا از طریق نبی گفته بود: "پسر خود را از مصر فرا خوانده‌ام." (متی 2: 14-15)

معلم F-U:

42. من داستان کریسمس را که متیو روایت می‌کند و در اینجا بازنمایی کرده‌ام، دوست دارم. جای تعجب اینجاست که تمرکز جوزف است. شجره نامه یوسف به ابراهیم برمی‌گردد. اما این یوسف نیست که پدر عیسی است. خود خدا در این شجره نامه اسرائیل دخالت می‌کند تا پسرش به دنیا بیاید. اما عیسی جانشین ابراهیم است، او مسیح اسرائیل است. و در عین حال، همانطور که خردمندان شرق نشان می‌دهند، او نه تنها متعلق به اسرائیل است، بلکه منجی جهان است.

43. داستان کریسمس متیو به بت در آخر ختم نمی‌شود. تولد عیسی منجر به فرار از خشونت یک دیکتاتور حسود به نام هیرودیوس می‌شود. در یک آهنگ کریسمس اینگونه ضبط شده است: "بزرگ، بزرگ، بزرگ، بزرگ، عشق بزرگ است. خداوند عرش بهشت را رها کرده است و باید با جاده سفر کند. بزرگ، بزرگ، بزرگ، عشق بزرگ است." (هنوز، هنوز، هنوز، خیابان 2)

44. در نمایش مولودی ما، احمد دانشجوی طرفدار فلسطین و عریفه زن کرد در سواحل الجزایر نیز احساس می کنند که عیسی خدای فقرا، پناهندگان و بی خانمان ها است. خود عیسی وارد موقعیت های فقر، فرار، رنج می شود و به افرادی که موارد مشابهی را تجربه می کنند نشان می دهد: من یکی از شما هستم. نور من در تاریکی تو می درخشد. شما تنها و بی کرامت نیستید. من در کنار شما ایستاده ام تو را که در بدبختی و بی خانمانی هستی دوست دارم. من به شما کمک می کنم، شما را تقویت می کنم. تو را در غربت خانه می سپارم.
45. همه ما بی خانمان و فقیر نیستیم. شاید مشکلات دیگری هم داشته باشیم. همانطور که عیسی به آرامی در رحم مریم رشد می کند، این امر که - امروز به ان می گوئیم - "استرس رابطه" بین یوسف و مریم ایجاد می کند. آیا او به من خیانت کرد؟ من او را ترک می کنم! اما من هم دوستش دارم! در "خانواده مقدس" استرس رابطه با کلام فرشته ای که با یوسف صحبت می کند از بین می رود.
46. سپس یوسف از پسر خدا که به او و مریم او سپرده شده مراقبت می کند. مریم و یوسف با هم فرار و نشیب هایی را پشت سر می گذارند. و اینجا؟ شاید عیسی، پسر مریم باکره، مقداری از آرامش خود را در قلب های پرتنش روابط ما القا کند و ما را از احساسات فوری خود دورتر کند. آیا من در عیسی صلح ندارم و بنابراین می توانم چیزهای دشوار را راحت تر بپذیرم، برای یک پایان خوب بجنگم و برای آشتی دراز کنم؟
47. خردمندان شرق، اساتید طالع بینی، مردان محترم جامعه ایرانی نیز به شبستان می آیند. یکی از افرادی که فرار کرد دختر مدرسه ای کرد بود که اکنون حالش خوب است و به عیسی نیز اهمیت می دهد. عیسی در یک آخور به دنیا می آید و به زودی باید با والدینش فرار کند.
48. اما به او طلا، کندر و مر نیز داده می شود، گرانبهاترین چیزهایی که در آن زمان موجود بود. عیسی همچنین خدا برای چالش های یک زندگی اساساً راضی است. او همچنین به من در مشکلات کوچکتر و روزمره کمک می کند. خوب است که او را در کنارم داشته باشم، هرچند خیلی چیزها در زندگی من خوب است.
49. من آن را بسیار مهم می دانم: نور الهی عیسی به همه موقعیت های زندگی می تابد، چه من بیشتر پایین باشم یا بیشتر. حضور و کرامت او مرا در گریز و جنگ تقویت می کند. با او در قلبم آرامش و اراده آشتی پیدا می کنم وقتی مشکلات بین فردی بر من سنگینی می کند. و این که او در کنار من است، حتی در شرایط مساعد، بخشی از شکوه الهی او را می بخشد. نور الهی او به همه چیز می تابد، بر همه چیز پیشی میگیرد. آمین